

ناسازگاری‌های شجره‌نامه عیسی

محمد کاشانی^۱

چکیده

شجره‌نامه عیسی مسیح برای مسیحیان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا عهد عتیق، مسیحی‌های موعود را از نسل داوود دانسته است؛ از این رو برای مسیحیان، بسیار اهمیت دارد که نسل وی را به داوود برسانند. دو انجیل متی و لوقا به تفصیل شجره‌نامه عیسی مسیح را نقل کرده‌اند؛ ولی بین این دو نقل، تفاوت‌های زیادی وجود دارد و این اختلاف‌ها به یکی از چالش‌های بزرگ کتاب مقدس تبدیل گردیده است. مدافعان مسیحی، بسیار کوشیدند تا بین این دو شجره‌نامه، آشتی برقرار کنند. در این مقاله می‌خواهیم توجه‌های مسیحیان را بازبینی و بررسی کنیم که آیا امکان آشتی دادن بین این دو شجره‌نامه، وجود دارد یا خیر؟

کلیدواژه‌ها: عیسی، نسب‌نامه، یوسف، داوود، مریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مدیر گروه مسیحیت موسسه آموزش عالی خاتم النبیین ﷺ.

مقدمه

شجرنامه در زمان باستان، ابزاری برای شناخت هویت فرد تلقی می‌شد؛ از این رو مردم در آن دوره بسیار می‌کوشیدند تا از شجره‌نامه‌هایشان، مراقبت نمایند. بخش عمده‌ای از عهدین را شجره‌نامه‌ی افراد مختلف تشکیل می‌دهد. گاهی چندین فصل از کتاب مقدس به ذکر شجره‌نامه‌ها می‌پردازد و گاهی برخی از شجره‌نامه‌ها دو یا سه بار در کتاب مقدس ذکر شده است؛ مانند شجره‌نامه حضرت مسیح علیه السلام که دو بار بصورت کامل و یک بار نیز بطور ناقص در عهدین ذکر شده است؛ اما با بررسی دقیق بین شجره‌نامه‌ها، متوجه بروز تناقضات و ناسازگاری‌هایی در شجره‌نامه عیسی مسیح می‌شویم. مطابق دیدگاه طرفداران الهامی بودن کتاب مقدس، اگر تمام آن به نحو انکارناپذیری، الهامی باشد، پس نباید در آن خطایی مشاهده شود. به همین سبب، مدافعان کتاب مقدس برای آشتی دادن این شجره‌نامه‌ها بسیار کوشیدند که در ادامه بررسی خواهد شد.

اهمیت بحث درباره ناسازگاری‌های کتاب مقدس

پیش از این که بخواهیم ناسازگاری‌های شجرنامه عیسی مسیح را بررسی کنیم، بهتر است درباره‌ی چرایی بحث در این موضوع نیز به گفتگو بپردازیم. بحث درباره تناقضات کتاب مقدس از آن جهت اهمیت دارد که اگر در آن ناسازگاری و تناقضی یافت شود، اعتبارش زیر سوال خواهد رفت؛ جان ولسی، بنیانگذار نهضت متودیسیم می‌گوید:

آیا اگر بپذیریم که یک خطا در کتاب مقدس وجود دارد، حجیت تمام کتاب مقدس را به لرزه در نیاورده‌ایم؟ فرد مسیحی اگر دریابد که کتاب مقدس در موردی، او را واگذارد، دیگر نمی‌تواند مطمئن باشد که در دیگر موارد، او را وانخواهد گذارد.^۱

پاپ لئوی هشتم معتقد است، اعتقاد به خطاناپذیری کتاب مقدس، باور قدیمی و تغییرناپذیر کلیسا است.^۲ الهی‌دانان کلیسای پروتستان نیز به صورت بنیادگرایانه بر نظریه‌های خطاناپذیری کتاب مقدس تأکید می‌کنند. در بیانیه شیکاگو نیز آمده است:

1. Foos and L. Paige Patterson, The Fundamentals for the Twenty First Century: "p 94 .

2 Sri Edward.p(1999) Taking Gad at His Word , A Catholic Understanding of Biblical Inerrancy,

حجیت کتاب مقدس، مسئله‌ای کلیدی برای کلیسا در این زمان و دیگر زمان‌هاست... تأیید این که کتاب مقدس کاملاً صحیح و قابل اعتماد است، برای فهم کامل و تصدیق حجیت آن ضروری است.^۱

در کتاب تعلیم کلیسای کاتولیک، چنین آمده است:

کتاب وحی شده حقیقت را تعلیم می‌دهند، «بنابراین، از آن‌جا که تمام تأکیدات مؤلفان الهام شده یا نویسندگان مقدس را باید قول روح‌القدس تلقی نمود، باید اذعان کنیم که کتاب مقدس قاطعانه، صادقانه و بدون خطا حقیقتی را تعلیم می‌دهند که خدا به خاطر نجات ما خواسته است در کتب مقدس مدون شود.^۲

بنابراین حتی اگر یک مورد ناسازگاری در کتاب مقدس یافت شود اعتبار و حجیت آن مخدوش خواهد شد.

۱- نسب‌نامه عیسی مسیح در انجیل

شجره‌نامه عیسی، هم در انجیل متی و هم در انجیل لوقا ذکر شده است که با هم تفاوت‌های زیادی دارد. متی در انجیل خود شجره‌نامه عیسی مسیح را چنین نقل می‌کند:

«کتاب نسب‌نامه عیسی مسیح ابن داود ابن ابراهیم: ابراهیم اسحاق را آورد و اسحاق یعقوب را آورد و یعقوب یهوذا و برادران او را آورد و یهوذا فارص و زارح را از تآمار آورد و فارص حصرون را آورد و حصرون آرام را آورد و آرام عمیناداب را آورد و عمیناداب نحشون را آورد و نحشون شلمون را آورد و شلمون بوعز را از راحاب آورد و بوعز عوبید را از راعوت آورد و عوبید یسا را آورد و یسا داود پادشاه را آورد و داود پادشاه سلیمان را از زن اوریا آورد و سلیمان رحبعام را آورد و رحبعام ایبا را آورد و ایبا آسا را آورد و آسا یهوشافاط را آورد و یهوشافاط یورام را آورد و یورام عزیا را آورد و عزیا یوتام را آورد و یوتام آحاز را آورد و آحاز حزقیا را آورد و حزقیا منسی را آورد و منسی امون را آورد و امون یوشیا را آورد و یوشیا یکنیا و برادرانش را در زمان تبعید بابل آورد و بعد از تبعید بابل، یکنیا سالتیئیل را آورد و سالتیئیل زروبابل را آورد، زروبابل آیهود را آورد و آیهود ایلیاقیم را آورد و ایلیاقیم عازور را آورد و عازور صادوق را آورد و صادوق یاکین را

1. see: The Chicago Statement on Biblical Inerrancy .

۲. تعلیم کلیسای کاتولیکه پاراگراف ۱۰۷.

آورد و یاکین ایلیهود را آورد و ایلیهود ایلعازر را آورد و ایلعازر متان را آورد و متان یعقوب را آورد و یعقوب یوسف شوهر مریم را آورد که عیسی مسمی به مسیح از او متولد شد. پس تمام طبقات از ابراهیم تا داود چهارده طبقه است و از داود تا تبعید بابل، چهارده طبقه و از تبعید بابل تا مسیح، چهارده طبقه». (متی ۱: ۱-۱۷)

در انجیل لوقا نیز شجره‌نامه عیسی مسیح به طور تفصیلی ذکر شده است. لوقا بیان می‌کند:

«و خود عیسی وقتی که شروع کرد قریب به سی ساله بود. و حسب گمان خلق پسر یوسف ابن هالی ابن متات ابن لاوی ابن ملکی ابن ینا ابن یوسف ابن متاتیا ابن آموس ابن ناحوم ابن حسلی ابن نجی ابن مات ابن متاتیا ابن شمعی ابن یوسف ابن یهودا ابن یوحنا ابن ریسا ابن زروبابل ابن سالتیئیل ابن نیری ابن ملکی ابن ادی ابن قوسام ابن ایلمودام ابن عیر ابن یوسی ابن ایلعازر ابن یوریم ابن متات ابن لاوی ابن شمعون ابن یهودا ابن یوسف ابن یونان ابن ایلیاقیم ابن ملیا ابن مینان ابن متاتا ابن ناتان ابن داود ابن یسی ابن عوبید ابن بوغز ابن شلمون ابن نحشون ابن عمیناداب ابن ارام ابن حصرون ابن فارص ابن یهودا ابن یعقوب ابن اسحاق ابن ابراهیم ابن تارح ابن ناحور ابن سروج ابن رعو ابن فالج ابن عابر ابن صالح ابن قینان ابن ارفکشاد ابن سام ابن نوح ابن لامک ابن متوشالچ ابن خنوخ ابن یارد ابن مهلتیلیل ابن قینان ابن انوش ابن شیث ابن آدم ابن الله». (لوقا ۳: ۲۳-۳۸)

این شجره‌نامه را به صورت تطبیقی در جدول ذیل مشاهده کنید:

در انجیل	در لوقا	در انجیل	در لوقا
۱ ابراهیم	۸ ابراهیم	۱ عمیناداب	۸ عمیناداب
۲ اسحاق	۹ اسحاق	۲ نحشون	۹ نحشون
۳ یعقوب	۱۰ یعقوب	۳ شملون	۱۰ شملون
۴ یهودا	۱۱ یهودا	۴ بوغز	۱۱ بوغز
۵ فارص	۱۲ فارص	۵ عوبید	۱۲ عوبید
۶ حصرون	۱۳ حصرون	۶ یسا	۱۳ یسی
۷ ارام	۱۴ ارام	۷ داود	۱۴ داود

در انجیل	در لوقا		در انجیل	در لوقا
۱۵	ناتان	سلیمان	۳۶	زرובابل
۱۶	متاتا	رحبعام	۳۷	ریسا
۱۷	مینان	اییا	۳۸	یوحنا
۱۸	ملیا	آسا	۳۹	یهودا
۱۹	ایلیاقیم	یهوشافاط	۴۰	یوسف
۲۰	یونان	یورام	۴۱	شمعی
۲۱	یوسف	عزریا	۴۲	متاتیا
۲۲	یهودا	یوتام	۴۳	مأت
۲۳	شمعون	احاز	۴۴	نجی
۲۴	لاوی	حزقیا	۴۵	حسلی
۲۵	متات	منسی	۴۶	ناحوم
۲۶	یوریم	آمون	۴۷	آموس
۲۷	ایلعاذر	یوشیا	۴۸	متاتیا
۲۸	یوسی	یکنیا (یهوآکین)	۴۹	یوسف
۲۹	عیر	سالتیئیل	۵۰	ینا
۳۰	ایلمودام	زروبابل	۵۱	ملکی
۳۱	قوسام	اییهود	۵۲	لاوی
۳۲	ادی	ایلیاقیم	۵۳	متات
۳۳	ملکی	عازور	۵۴	هالی
۳۴	نیری	صادوق	۵۵	یوسف
۳۵	سالتیئیل	یاکین	۵۶	عیسی

- همان‌گونه که پیداست، بین این دو شجره‌نامه، ناسازگاری‌های زیادی وجود دارد که در این مقاله می‌خواهیم سه ناسازگاری مهم‌تر را بررسی کنیم:
- یکی این‌که آیا هر دو شجره‌نامه برای یوسف، پدرخوانده حضرت عیسی و شوهر حضرت مریم است و یا یکی از شجره‌نامه‌ها برای یوسف و دیگری برای مریم است؟
 - دیگری این‌که تعداد طبقات شجره‌نامه از عیسی مسیح تا حضرت ابراهیم چند طبقه است؟
 - سومین اختلاف درباره زرובابل است.

زروبابل آخرین باز مانده از تبار پادشاهی سلیمان بود که بنی اسرائیل را از اسارت بابل به اورشلیم رهبری کرد و در هر دو شجره‌نامه وجود دارد؛ ولی نام پدران و پسرانش متفاوت است. در ادامه به بررسی تطبیقی این ناسازگاری‌ها خواهیم پرداخت.

نسب‌نامه یوسف یا مریم؟

اولین نکته قابل توجه در این نسب‌نامه آن است که در هر دو انجیل عیسی فرزند یوسف نجار پدرخوانده عیسی دانسته شده؛ اما در یکی یوسف از نسل هالی است (لوقا ۳: ۲۳) و در دیگری یوسف از نسل یعقوب (متی ۱: ۱۶) عالمان مسیحی از گذشته تاکنون، توجیهات متعددی را برای این ناهمسانی ذکر کرده‌اند از جمله بیان کرده‌اند که ممکن است یک نسب‌نامه مربوط به یوسف و دیگری مربوط به مریم باشد و با این شیوه درصد رفع ناسازگاری موجود بین متی و لوقا شدند.

الف: متی، نسب‌نامه یوسف و لوقا، نسب‌نامه مریم

یوحنا دمشقی در قرن هشتم میلادی، یکی از مشهورترین راه‌حل‌ها در این باره آورد. وی مطرح کرد که شجره‌نامه‌ی متی، مربوط به یوسف و شجره‌نامه‌ی لوقا مربوط به حضرت مریم است. در حقیقت حضرت مریم، فرزند هالی و یوسف نیز داماد وی بوده است.^۱ این ادعا به دلیل اشکالاتی که داشت کم اهمیت دانسته شد اما انیوس^۲ در سال ۱۴۹۸ آن‌را بازخوانی کرد و دوباره به سرعت شیوع یافت.

این عالمان در پاسخ به این که چرا لوقا در نسب‌نامه‌ی حضرت مسیح، به جای نام مریم، اسم یوسف را ذکر کرده، اظهار می‌دارند: سنت آن زمان اجازه نمی‌داد نام یک زن در شجره‌نامه ذکر شود و یوسف از آن‌جا که همسر تک فرزند خانواده مریم و وارث آن‌ها محسوب می‌شد^۳ طبق رسم یهودیان، فرزند هالی خوانده می‌شده است.^۴

1. Anthony Maas(1913), "Genealogy of Christ", Catholic Encyclopedia.,
 2. Annius of Viterbo.
 3. John Nolland (2005), The Gospel of Matthew: a commentary on the Greek text, p. 7.
 4. St. Aquinas, Thomas, Catena Aurea (Golden Chain), Gospel of Matthew, Chapter 1.

کارل بارت الهی‌دان بزرگ مسیحی و بنیان‌گذار مکتب نئوتدوکسی، در پاسخ به این اشکال که چرا در انجیل متی، فرزند مسیح یوسف خوانده شده، اظهار می‌دارد که یوسف به خاطر وحی الهی (متی ۲: ۱۳) پدرخوانده‌ی مسیح محسوب شده است و همین مقدار، در انتساب مسیح به داود کافی بوده است. بنابراین، مسیح در حقیقت، فرزند خوانده‌ی یوسف بوده است.^۱

این توجیه از سوی بسیاری از مسیحیان پذیرفته شده است اما در مقابل، برخی از عالمان مسیحی، این راه‌حل را غیر قابل قبول دانسته‌اند. محقق‌ی به نام گیذا ورمس^۲ متذکر می‌شود که لوقا هیچ اشاره‌ای به مریم در نسب شناسیش نکرده است و این سوال را به میان می‌آورد که نسب‌شناسی از طرف مادر، چه هدفی در یک محیط یهودی دارد.^۳

مهم‌ترین اعتراضی که به این توجیه مطرح شده است، آن است که بین مریم و الیزابت همسر زکریا نسبت خونی برقرار بود و انجیل لوقا با تعبیر συγγενίς (= عمو زاده - خویشاوند خونی^۴) از نسبت بین مریم و الیزابت سخن می‌گوید. مفسران کتاب مقدس نیز مریم را دختر عموی الیزابت می‌دانند.^۵ در این صورت باید مریم و الیزابت از یک طایفه باشند و پدر بزرگشان یکی باشد.^۶

(انجیل لوقا ۱: ۵) الیزابت را از خاندان هارون می‌داند و به همین دلیل مریم نیز باید از خاندان هارون باشد. واضح است که خاندان هارون از سبط لاوی و خاندان داوود از سبط یهودا بودند. اگر مریم به سبط لاوی تعلق دارد دیگر نمی‌توان نسب او را به داوود رسانید.

همچنین ژان کالون، عالم بزرگ مسیحی با استناد به کتاب مقدس اظهار می‌دارد که مسیح‌های موعود، باید از نسل سلیمان باشند^۷ درحالی‌که اگر

۱. الخضری، الدكتور القس حنا جرجس؛ پیشین؛ ص ۱۸۱.

2. Geza Vermes.

3. Geza Vermes, The Nativity: History and Legend, p. 42.

4. συγγενίς in -<http://www.biblewebapp.com>.

5. Matthew Henry's Whole Bible Commentary.

۶. واژه συγγενίς در چند جای کتاب مقدس به کار رفته و به معنای عمو زاده یا عشیره و طایفه است. مرقس ۶: ۴ عیسی به آنها فرمود «یک پیامبر در همه جا مورد احترام است جز در وطن خود و در میان خانواده خویش». لوقا ۲۱: ۱۶ پدر و مادر و برادران و بستگان رومیان ۹: ۳ رزو میکردم اگر ممکن می‌شد بخاطر برادران خود یعنی قوم یهود که خویشاوندان من هستند، ملعون و از مسیح جدا شوم.

۷. در کتاب دوم سموئیل ۷: ۱۲ - ۱۴ در مورد سلیمان آمده است: «و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهیم ساخت». بنابر این و طبق این وعده‌ی الهی، مسیح‌های موعود (که پادشاه بنی‌اسرائیل خواهد بود) می‌بایست از نسل سلیمان باشند.

این توجیه را بپذیریم، نسب مریم از نسل ناتان (پسر دیگر حضرت داود) خواهد بود و نه از نسل سلیمان. بنابراین دیگر نمی‌توان حضرت عیسی را مسیحای موعود بنی اسرائیل دانست.^۱

باید توجه داشت که نام پدر مریم بر اساس نظر مورخان^۲ و همچنین در اناجیل مختلف اپوکریفایی، یواقیم ذکر شده است.^۳ برخی دیگر از متون اولیه مسیحی نیز نام پدر و مادر مریم را یواقیم و آنا معرفی کردند،^۴ نه هالی. هم‌اکنون نیز مسیحیان ارتدکس و کاتولیک هر ساله در ۹ سپتامبر، روز پس از جشن تولد مریم باکره را به عنوان بزرگداشت یواقیم و آنا جشن می‌گیرند.^۵ این اسناد نشان می‌دهد نام پدر مریم «یواقیم» بوده نه «هالی»؛ گرچه برخی تلاش کرده‌اند هالی را کوتاه شده یواقیم بدانند^۶ و برخی نیز هالی را پسر عموی اول یواقیم می‌دانند؛^۷ ولی این ادعای بدون سند است.

برخی از مدافعان ایمان مسیحی برای اثبات این که پدر مریم هالی بوده نه یهو یواقیم به عبارتی از تلمود استناد می‌کنند که مریم را دختر هالی می‌داند؛^۸ اما مریم تلمود غیر از مریم باکره است؛ زیرا تلمود، معتقد است آن مریم با سربازی به نام پانترا Pantera به طور مخفیانه رابطه داشت^۹ و پانترا پدر واقعی فرزند وی بود^{۱۰} و چگونه مدافعان ایمان مسیحی می‌خواهند مریم تلمود را که زنی فاحشه است با مریم باکره تطبیق دهند؟

از طرفی این فرضیه، این مسأله را به صورت پیش‌فرض گرفته بود که مریم چون تک فرزند خانواده بود، شوهرش تنها وارث آن خانواده محسوب می‌شد؛ از این رو نسب مریم به نام یوسف در انجیل لوقا مطرح شده است؛ ولی این پیش

۱. هندی، ملا رحمة الله؛ اظهار الحق؛ الفصل الثالث فی بیان أن هذه الكتب مملوءة من الاختلافات و الأغلاط، القسم الأول فی بیان الاختلافات؛ الإختلاف السادس و الأربعون إلى الإختلاف الحادی و الخمسون.

2. Justice, Phyllis G. Holy people of the world: a cross-cultural encyclopedia, Volume 3. p 54.

۳. انجیل مقدماتی یعقوب، بابهای ۱ و ۲، انجیل شبیه متی، بابهای ۱ - ۳، انجیل میلاد مریم، باب ۱.

4. Williams, Frank, Panarion of Epiphanius of Salamis. p. 79.5.5.

5. September 9 in: -<http://en.wikipedia.org/>

6. Anthony Maas (1913), "Genealogy of Christ", Catholic Encyclopedia.

7. John Gresham Machen Virgin Birth of Christ p 203 "That is, Jesus was supposed to be the son of Joseph, but was really the son of Heli, etc. Heli would then be the father of Mary, and the word "son" would be taken in the wider sense of "descendant," the name of the mother of Jesus being unrecorded"

8. The Babylonian Talmud ,chagigah 2:4

9. The Babylonian Talmud – Tosefta Hullin 2:22f.

10. Babylonion talmud, sonhedrin 67 a and shob bath 104 b.

فرض صحیح نیست؛ زیرا انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵ می‌گوید مریم باکره و خواهرش (خاله عیسی) نزدیک صلیب عیسی ایستاده بودند و مشخص است مریم باکره دارای خواهر دیگری نیز بوده است.

همچنین مشخص نیست چرا این راه‌حل در زمان آباء کلیسا مطرح نشده است که از نظر زمانی به عهد مسیح بسیار نزدیک‌تر بوده‌اند. گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که تمامی آباء کلیسا بر این مسأله اتفاق نظر داشته‌اند که هر دو نسب‌نامه متی و لوقا، مربوط به یوسف بوده است.^۱ اولین بار یوحنا دمشقی این مطلب را در سال ۷۴۹ میلادی مطرح کرد و تا سال ۱۴۹۸ نیز نظریه کم‌اهمیتی شناخته می‌شد.

ب: متی، شجره‌نامه مریم و لوقا، شجره‌نامه یوسف

ترتولیان و تعداد کمی محقق مسیحی به سبب این که مسیح را از نسل سلیمان معرفی کنند نظریه‌ای متضاد نظریه قبلی ارائه کردند و بر این اعتقاد شدند که لوقا شجره‌نامه یوسف را نگاشته است؛ ولی متی، شجره‌نامه مریم را مطرح کرده است.^۲ ضمیر مونث استفاده شده در نسخه یونانی متی ۱: ۱۶، نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند که متی در حال ذکر شجره‌نامه مریم است؛ ولی این توجیه با اشکالاتی روبرو است؛ از جمله این که مریم از تبار هارون است، نه از تبار یهودا و نسب‌نامه متی، یک نسب‌نامه از تبار یهودا محسوب می‌شود. همچنین این توجیه، مشکل جدی‌تری نیز دارد؛ زیرا متی تصریح می‌کند: «متان یعقوب را آورد و یعقوب یوسف شوهر مریم را آورد» متن بدون هیچ تردیدی با عبارت «یوسف شوهر مریم را آورد»، مشخص می‌کند که نسب‌نامه متی بی‌تردید مربوط به یوسف نجار است نه مریم.

برخی از بزرگان کلیسا نظیر کلمنت به این نتیجه رسیدند که لوقا نسب‌نامه یوسف نجار، پدرخوانده عیسی را ذکر می‌کند و نسب‌نامه متی، مریم باکره را پسر یوسف می‌داند. در حقیقت یوسف، نام پدر مریم است و نام مریم به دلیل این که زن بوده، از نسب‌نامه حذف شده و عیسی به پدر بزرگ مادریش نسبت داده شده است.^۳ این که متی می‌گوید: «یعقوب پدر

۱. القیصری، یوسایوس؛ تاریخ الكنيسة؛ ص ۲۹، پاورقی ۱.

2. Geoffrey W. Bromiley, The International Standard Bible Encyclopedia, p.430.

3. Clement of Alexandria, Stromata, p. 21.

یوسف شوهر مریم بود» در حقیقت می‌خواسته بگوید: «یعقوب پدر یوسف و یوسف پدر مریم بود» کلمه شوهر در یونانی (andra= ἄνδρα = همسر به خاطر شباهت ظاهری با کلمه پدر در آرامی اشتباه بازنویسی شده است).^۱ اما این توجیه نیز بیش از آن که مشکلی را حل کند، بر مشکلات موجود نسب‌نامه می‌افزاید؛ زیرا اولاً بر خلاف صریح انجیل است؛ زیرا متی می‌گوید: یوسف همسر مریم بود (متی ۱: ۱۶) و در چند آیه بعد باز تأکید می‌کند که یوسف نامزد (μνηστευθείσης) مریم بوده است (متی ۱: ۱۸) و مریم همسر (wife = γυναῖκα) یوسف می‌شود (متی ۱: ۲۰) در انجیل لوقا نیز مریم نامزد مردی به نام یوسف از خاندان داوود معرفی شده است (لوقا ۱: ۲۷ و ۵: ۲). پیش‌تر نیز گفتیم نام پدر مریم، یواقیم بوده، نه یوسف. همچنین در همین آیه، حدود ۳۹ مرتبه کلمه پدر در یونانی (ἐγέννησεν = egennEsen = پدر) استفاده شده و دلیلی ندارد در دفعه چهارم از واژه ἄνδρα (= andra = همسر) استفاده کند و منظور از آن پدر باشد. پذیرش این مدعا به پذیرش تحریف در انجیل منجر می‌شود و به هر حال برای یک مدافع ایمان مسیحی، نتیجه یکی خواهد بود که بپذیرد همه نسب‌نامه تحریف شده یا برخی از آن و در هر دو صورت، کتاب مقدس، اعتبار خودش را از دست خواهد داد.

ج: هر دو نسب‌نامه مربوط به یوسف

کهن‌ترین نظریه موجود در منابعی که به دست ما رسیده مربوط به افریکانوس (حدود سال ۲۰۰ میلادی) است؛ اما چرا متی پدر یوسف را یعقوب و لوقا او را هالی ذکر کرده است؟ افریکانوس برای توجیه آن، پیشنهاد می‌دهد که یعقوب و هالی، برادرانی از یک مادر ولی دو پدر مختلف بودند. یعقوب ازدواج می‌کند و صاحب یوسف می‌شود، ولی او فوت می‌کند و طبق رسم آن زمان برادرش هالی با مادر یوسف، ازدواج می‌کند و پدرخوانده (پدر قانونی) یوسف می‌شود. بر اساس این نظریه، لوقا شجره‌نامه را از طریق پدرخوانده (پدر قانونی) یوسف ادامه می‌دهد؛ ولی متی از طریق پدر طبیعی او.^{۲-۳}

این نظریه نیز امروزه، حامیان جدی ندارد؛ زیرا آن‌چه در سفر تثنیه آمده این است:

1. Andrew Gabriel Roth (2003), Proofs of Peshitta Originality in the Gospel According to Matthew & the Gowra Scenario: Exploding the Myth of a Flawed Genealogy.
2. Sextus Julius Africanus. Epistula ad Aristidem (Epistle to Aristides).
3. Marshall D. Johnson (1988), The purpose of the Biblical genealogies., p. 273.

«اگر برادران با هم ساکن باشند و یکی از آنها بی‌اولاد بمیرد، پس زن آن متوفی، خارج به شخص بیگانه داده نشود، بلکه برادر شوهرش به او درآمده، او را برای خود به زنی بگیرد، و حق برادر شوهری را با او بجا آورد. و نخست‌زاده‌ای که بزاید به اسم برادر متوفای او وارث گردد، تا اسمش از اسرائیل محو نشود. (تثنیه ۲۵: ۵-۶)»

به ازدواج با زن برادر متوفی، سنت ییوم می‌گویند. فرزند صرفاً از نسل برادر اول (پدر قانونی) شمرده می‌شود و از نسل پدر طبیعی‌اش محسوب نمی‌شود و دیگر به نسل پدر طبیعی‌اش منقلب نمی‌شوند. همچنین قوانین یهود سنت ییوم صرفاً در مورد برادرانی است که پدر مشترک دارند.^۲

در صورت پذیرش این راه‌حل با چند مشکل بزرگتر روبرو می‌شویم؛ از جمله این‌که اگر یوسف و هالی، هر دو برادر بودند باید پدران و اجدادشان یکی باشند؛ درحالی‌که متی، نام پدران یوسف را چنین ذکر می‌کند: «و ایلیهود ایلعازر را آورد و ایلعازر متان را آورد و متان یعقوب را آورد و یعقوب، یوسف شوهر مریم را آورد» ولی لوقا نام اجداد یوسف را کاملاً به گونه‌ی دیگری ذکر می‌کند: «یوسف ابن هالی ابن متان ابن لاوی ابن ملکی ابن ینا ابن یوسف ابن متاتیا ابن آموس ابن ناحوم ابن حسلی» و اگر یعقوب و هالی هر دو برادر بودند، چرا نام پدر و اجدادشان یکسان نیست؟

همچنین در یک نسب‌نامه، یوسف از نسل سلیمان به داوود می‌رسد (متی ۱: ۶) و در دیگری، یوسف از نسل برادر سلیمان یعنی ناتان به داوود می‌رسد (لوقا ۳: ۳۱) و ناتان و سلیمان برادر بودند و چگونه می‌تواند هر دوی آن‌ها پدر بزرگ یوسف باشند؟

البته کالون، راه‌حل دیگری را پیشنهاد می‌کند. او اظهار می‌دارد که نسب‌نامه متی، در واقع مربوط به یوسف است؛ اما از آن‌جا که یوسف و مریم از یک خاندان بوده‌اند، نیازی به ذکر نسب‌نامه مریم به صورت جداگانه نبوده است.^۳ با توجه به تضادهای متعدد در این نسب‌نامه، واضح است که ادعان کالون به این‌که هر دو نسب‌نامه به یوسف مربوط است، نمی‌تواند راه‌حلی برای توجیه تناقضات نسب‌نامه باشد.

۱. ازدواج با زن برادر متوفی ای که فرزند ندارد برای نگهداشتن نسل برادر .

2. Talmud Yevamot 17b.

۳. الخضری، الدكتور القس حنا جرجس؛ تاریخ الفكر المسيحي، ج ۱، ص ۱۷۹.

جمع بندی

مورخان آکادمیکِ معاصر، عموماً بر این نظر توافق دارند که این شجره‌نامه‌ها را نمی‌توان با هم آشتی داد و آن‌ها را «ساخت‌های الهیاتی» (theological constructs) در نظر می‌گیرند. به صورت مشخص‌تر، بعضی گفته‌اند که متی می‌خواسته تولد عیسی را به مثابه تولد یک پادشاه مسیح‌گونه بیان کند و برای همین، اجداد او را از طریق خط سلطنتی دنبال کرده و سلیمان را در آن‌ها قرار داده است؛ ولی لوقا اجداد عیسی را از طریق خط کاهنی دنبال می‌کند و لیوای را در آن‌ها قرار می‌دهد.^۱

بعضی از عالمان مسیحی، همانند هارناک، بولتمان و بروئر نیز ضمن پذیرش این که نسب‌نامه حقیقی مسیح در انجیل متی ذکر شده است، نظری کاملاً متفاوت، اظهار داشته‌اند. آن‌ها با سمبلیک دانستن داستان تولد عیسی از باکره، بر این باور بوده‌اند که حضرت عیسی، فرزند واقعی یوسف بوده است. بنابراین، نسل مسیح از طریق یوسف به داود می‌رسد.^۲

۲- تعداد نیاکان عیسی از جلای بابل تا مسیح، ۱۴ یا ۱۳ نفر؟

دومین ابهام در نسب‌نامه مسیح، طبقات نسب‌نامه عیسی از جلای بابل تا مسیح است. متی، طبقات نسب‌نامه عیسی مسیح را به سه دسته چهارده‌تایی تقسیم می‌کند و می‌نویسد: به این ترتیب از ابراهیم تا داوود، چهارده نسل، از داوود تا تبعید به بابل، چهارده نسل و از زمان تبعید به بابل تا مسیح، چهارده نسل است (متی ۱: ۱۷). این تقسیم‌بندی چهارده‌تایی از یک نظم مشخص، تبعیت می‌کند:

- ۱۴ طبقه اول از نسل ابراهیم تا داوود بودند.
- همه طبقه دوم، پادشاهان یهودا بودند.
- ۱۴ نفر طبقه سوم نیز پدران بعد از تبعید بودند.

اما وقتی تعداد نسب‌ها را می‌شماریم، می‌بینیم متی در گروه سوم، نسل پدران عیسی را در ۱۴ تایی سوم می‌شمرد.

«پس تمام طبقات از ابراهیم تا داود چهارده طبقه است و از داود تا تبعید

بابل، چهارده طبقه و از تبعید بابل تا مسیح، چهارده طبقه.» (متی ۱: ۱۷-۱)

1. Howard W. Clarke, The Gospel of Matthew and Its Readers, 2003, P 1.

۲. الخضری، الدكتور القس حنا جرجس؛ تاریخ الفكر المسيحي، ج ۱، ص ۱۷۶.

اما وقتی تعداد افرادی را که ذکر کرده، بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که این آمار، حقیقت ندارد و تعداد طبقات بین مسیح تا پدران بعد از تبعید با احتساب خود عیسی، ۱۳ طبقه و بدون احتساب وی ۱۲ طبقه است. جدول ذیل طبقات سه‌گانه نسب‌نامه مسیح را نشان می‌دهد.

ردیف	گروه اول	گروه دوم	گروه سوم
۱	ابراهیم	سلیمان	سالتیئیل
۲	اسحاق	رحبعام	زروبابل
۳	یعقوب	ایبا	اییهود
۴	یهودا	آسا	ایلیاقیم
۵	فارص	یهوشافاط	عازور
۶	حصرون	یورام	صادوق
۷	آرام	عزیا	یاکین
۸	عمیناداب	یوتام	ایلییهود
۹	نحشون	آحاز	ایلعازر
۱۰	شملون	حزقییا	متان
۱۱	بوعز	منسی	یعقوب
۱۲	عوبید	آمون	یوسف
۱۳	یسا	یوشیا	عیسی
۱۴	داود	یکنیا (یهویاکین)	

البته متی خواسته، اجداد عیسی را به سه دسته چهارده‌تایی (fourteen. = δεκατέσσαρες) تقسیم کند؛ ولی در حقیقت، آن‌ها به دو دسته چهارده‌تایی و یک دسته سیزده‌تایی تقسیم می‌شوند. این با تعبیر آیه ۱۷ همین باب تناقض دارد. برخی از مسیحیان معتقدند، این تفسیر اشتباه است که دنبال چهل و دو نسل در عیسی باشیم (۳ در ۱۴ ضرب می‌کنیم و عدد ۴۲ را بدست می‌آوریم)؛ زیرا کلام از سه نسل چهارده‌تایی، سخن می‌گوید. سه گروه جدا که هر کدام، چهارده نسل را در بر دارند. این دسته‌ها عبارتند از:

- ابراهیم، اسحاق، یعقوب، یهودا، فارص، حصرون، آرام، عمیناداب، نحشون، شلمون، بوعز، عوبید، یسا، داود.
- سلیمان، رحبعام، آبیآ، آسا یهوشافاط، یورام، عزیا، یوتام، آحاز، حزقییا، منسی، آمون، یوشیا، یکنیا (یهویاکین)

○ یکنیا (یهویاکین)، شلتینیل، زروبابل، ابیهود، ایلباقیم، عازور، صادق، یاکیم، البیهود، ایلعازر، متان، یعقوب، یوسف، عیسی.
در نتیجه ما سه نسل چهارده‌تایی خواهیم داشت؛ گرچه نام برخی از افراد، در هر دو طبقه ذکر شده باشد، ضرری به متن نمی‌زند.

تفسیر گیل در چینی متفاوت، داود را دو مرتبه می‌شمارد و اضافه می‌کند:

«این روش حساب نسل توسط ملت‌های دیگر مانند یهودیان استفاده می‌شد علی‌الخصوص یونانیان، به عنوان نمونه پوسانیاس می‌گوید: «از Tharypus تا Pyrrhus پسر آشیل، پانزده نسل از مردان بودند.» و هرودوت در صحبت از کسانی که بر بابل سلطنت کردند، می‌گوید: بین آنان دو زن بودند، یکی نامش سمیرمیس بود، که پیش از دیگری سلطنت کرد، بسیاری مثال‌های دیگر از این نوع، می‌تواند ارائه شود.»^۱

اما این توجیه بسیار دور از منطق است زیرا دو حالت وجود دارد:

- نفر آخر هر گروه در گروه بعد شمارش شود: در دسته اول ۱۴ شخص (با احتساب داوود)، در دسته دوم ۱۵ نفر (با احتساب داوود و یکنیا) و در دسته سوم ۱۴ نام (با احتساب یکنیا) به چشم می‌خورد.
- نفر آخر هر گروه در گروه بعد شمارش نشود: در دسته اول ۱۴ نام با داوود، در دسته دوم ۱۴ نام (بدون احتساب داوود و با احتساب یکنیا) و در دسته سوم ۱۳ اسم (بدون احتساب یکنیا) خواهیم داشت.

در این دو مدل، باز مشکل بر جای خود باقی است؛ زیرا یک گروه باز یا ۱۵ نام دارد و یا ۱۳ نام درحالی‌که انجیل متی می‌گوید: در هر گروه ۱۴ طبقه وجود دارد و اما این توجیه‌گران نام یکنیا (یهویاکین) را به دلیل این‌که در انتهای گروه دوم و ابتدای گروه سوم آمده، در هر دو گروه ذکر می‌کنند؛ اما نام داوود را که همانند نام یکنیا در انتهای گروه اول و ابتدای گروه دوم ذکر شده، تنها در گروه اول ذکر می‌کنند. این نوع تفسیر کاملاً یک‌جانبه به نظر می‌رسد. همچنین به نظر می‌رسد علت این تقسیم‌های چهارده‌تایی، آن است که دسته اول، نام افرادی از ابراهیم تا داوود است. همه افراد دسته دوم، پادشاهان بودند و نویسنده انجیل، اصرار داشته، عیسی را از تبار شاهان معرفی کند. دسته سوم، افراد عادی بودند که تنها زروبابل، والی دست نشانده بوده است. تمرکز اصلی بر دسته دوم است. این در حالی است که اصولاً نسل پادشاهان مذکور در متی، با احتساب داوود، ۱۵ نفرند نه ۱۴ نفر.

1. Gill, John . John Gill's Exposition of the Bible , Matthew 1:17.

برخی نیز معتقدند که در حقیقت، یوسف، نام پدر مریم است، نه شوهر وی و نام مریم به دلیل این که زن بوده، از نسب‌نامه حذف شده و عیسی به پدر بزرگ مادری‌اش نسبت داده شده است؛ به این ترتیب اگر مریم به نسب‌نامه مسیح، اضافه شود، تعداد افراد گروه سوم نیز به ۱۴ نفر خواهند رسید. این توجیه از نسب‌نامه، اجداد عیسی را زمان تبعید تا مسیح به چهارده نسل می‌رساند (متی ۱: ۱۷).

این توجیه نیز بیش از آن که مشکلی را حل کند، بر مشکلات موجود نسب‌نامه اضافه می‌کند؛ زیرا اولاً مخالف صریح انجیل است. متی می‌گوید یعقوب یوسف همسر مریم را آورد (متی ۱: ۱۶) و در چند آیه بعد، دوباره تأکید می‌کند که یوسف، نامزد مریم بوده است (متی ۱: ۱۸) و مریم، زن یوسف می‌شود (متی ۱: ۲۰) پیش‌تر نیز گفتیم نام پدر مریم، یواقیم بوده، نه یوسف و ترجمه کلمه شوهر به پدر بر خلاف متن صریح انجیل است و پشتیبان علمی ندارد.^۱

ترجمه ترسایان کتاب مقدس برای توجیه این ناسازگاری، به توجیحات عرفانی و مکاشفه‌ای روی می‌آورد و بیان می‌کند: ممکن است چهارده، شمارش تعداد اجداد عیسی نباشد؛ بلکه در حقیقت، شمارش حروف ابجدی کلمه داوود باشد؛^۲ ولی این توجیه، بسیار دور از متن به نظر می‌رسد.

باید توجه داشت که:

○ داوود در زبان عبری به صورت $\text{דָּוִד} = \text{DWD}$ = دوید، نوشته می‌شود و در حقیقت از ۴ حرف تشکیل شده است دالت= ד ، واو = ו ، یود= ד ، دالت= D و جمع ابجدی آن ۲۴ می‌شود؛

○ برای متی، ابراهیم بیش از متی اهمیت داشته و اگر منظورش تعداد حروف ابجد بوده، باید ابراهیم را مبنا قرار می‌داده است.

○ ظاهر متن گویای شمارش تعداد پدران است، نه شماره ابجدی حروف؛

○ اگر در آیه، منظور از چهارده‌تای گروه اول حروف ابجدی داوود بوده است،

منظورش شمارش حروف ابجدی چه کسی بوده است؟

توجیه دیگری که ترجمه ترسایان برای این ناسازگاری ذکر می‌کند، آن است که متی متوجه شده است، در شجره‌نامه کتاب روت ۴: ۱۸-۲۲^۳ و اول تواریخ ۲: ۵-

۱. رک: ناسازگاری‌های شجره‌نامه عیسی.

۲. کتاب مقدس ترسایان حاشیه متی ۱: ۱۷.

۳. این است نسب‌نامه بوغز که از فارص شروع شده، به داود ختم می‌شود: فارص، حصرون، رام، عمیناداب، نحشون، سلمون، بوغز، عوبید، یسی و داود.

۱۵ تکرار شده است. ده نام وجود دارد که از فارص شروع شده است و به داوود می‌رسد و از فارص تا ابراهیم نیز سه نفر (یهودا، یعقوب، اسحاق) وجود دارد و از ابراهیم تا داوود ۱۴ نسل می‌شود. متی برای وحدت سیاق، همین عدد را برای دو دوران بعدی نیز پذیرفته تا شجره‌نامه‌اش، شکل و قالب کتاب مقدسی داشته باشد.^۲ این توجیه نیز نمی‌تواند ناسازگاری موجود را رفع کند؛ زیرا از آن‌جا که شجره‌نامه در آن زمان، حکم شناسنامه افراد را داشت و دقت و صیانت از آن، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود و هر مقدار شخص، اهمیت بالاتری داشت، صیانت از شجره‌نامه وی، مهم‌تر تلقی می‌شده است؛ چنان‌که بخش زیادی از کتاب مقدس، بازخوانی شجره‌نامه‌های شخصیت‌های مهم کتاب مقدس است. گاهی شجره‌نامه یک شخص، چند بار نیز در این کتاب تکرار شده است و با این حال منطقی به نظر نمی‌رسد که متی بخواهد برای وحدت سیاق، متن شجره‌نامه عیسی را تحریف کند؛ درحالی‌که طبق اسناد عهد عتیق، بسیاری از افرادی که در نسب‌نامه مسیح وجود دارند، از پادشاهان یهودا بوده‌اند؛ ولی متی برای حفظ سیاق چهارده‌تایی‌اش آن‌ها را از قلم انداخته است؛ از جمله در انجیل متی، یورام پدر عزریا و عزریا پدر یوتام دانسته شده است (متی ۱: ۸)؛ اما در عهد قدیم، یورام پدر اخزیایا، اخزیایا پدر یوآش، یوآش پدر امصیا، امصیا پدر عزریا و عزریا پدر یوتام ذکر شده است.^۳

در حقیقت، متی سه نفر از پادشاهان یهودا را که در نسب‌نامه مسیح نیز وجود داشتند، از قلم انداخته است. همچنین در متی پدر یکنیا (یهویاکین) یوشیا است (متی ۱: ۱۱) اما در اول تواریخ پدر یکنیا (یهویاکین) یهویاقیم است و پدر بزرگ وی یوشیا است (اول تواریخ ایام ۳: ۱۶). افزایش طبقات نسب‌نامه عیسی به ۱۸ طبقه مخالف آیه متی ۱: ۷ است که تمام طبقات بین داوود تا اسارت بابل (یکنیا (یهویاکین)) را تنها ۱۴ طبقه می‌داند؛ چنان‌که در جدول ذیل به آن اشاره شده است:

۱. و پسران فارص خَصْرُونَ و حامول و پسران خَصْرُونَ که برای وی زاییده شدند، یَرْخَمْتِیل و رام و کَلُوبای ۱۰ و رام غَمیناداب را آورد و غَمیناداب نَحْشُونَ را آورد که رئیس بنی یهودا بود ۱۱ و نَحْشُونَ سَلْمَا را آورد و سَلْمَا بُوعَز را آورد ۱۲ و بُوعَز عوبید را آورد و عوبید یسی را آورد ۱۳ و یسی نخست زاده خویش آلیاب را آورد، و دومین ایناداب را، و سومین شَمْعی را، ۱۴ و چهارمین تَنْنَییل را و پنجمین زکای را، ۱۵ و ششمین اَوْصَم را و هفتمین داود را آورد.

۲. کتاب مقدس ترسایان حاشیه متی ۱: ۱۷.

۳. اول تواریخ ۳: ۱۰ - ۱۲ یَهُوشافاط .و پسر او یورام و پسر او آخزیا و پسر او یوآش .و پسر او اَمصیا و پسر او عَزْرَیا و پسر او یوتام.

در انجیل متی	در اول تواریخ	در انجیل متی	در اول تواریخ
سلیمان	سُلیمان	عزیا	عزریا
رحبعام	رَحْبَعَام	یوتام	یوتام
ایبا	ایبا	احاز	آحاز
آسا	آسا	حزقیا	حزقیا
یهوشافاط	یهوشافاط	منسی	منسی
یورام	یورام	آمون	آمون
	أخزیا	یوشیا	یوشیا
	یوآش	یهویاقیم	یهویاقیم
	أمصیا	یکنیا (یهویاکین)	یهویاکین

برخی در پاسخ به این اشکال، اظهار داشته‌اند که انجیل متی، نام تمام اجداد را ذکر نکرده و تنها به ذکر نام کسانی اکتفا کرده است که دارای اهمیت بیشتری بوده‌اند.^۱ البته این پاسخ نیز چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نویسندگان این انجیل، پس از ذکر نام نیاکان مسیح، چنین می‌نگارد: «پس "تمام" (all = Πᾶσαι) طبقات، از ابراهیم تا داود چهارده طبقه است و از داود تا جلای بابل چهارده طبقه و از جلای بابل تا مسیح، چهارده طبقه (متی ۱: ۱۷)».

این پاسخ که احتمالاً نویسنده انجیل متی، نام برخی اجداد مسیح را ذکر نکرده، با مشکلی دیگر مواجه خواهد بود؛ زیرا وی اجداد مسیح را در سه دسته چهارده تایی منحصر می‌نماید و از واژه تمام (all = Πᾶσαι) طبقات استفاده می‌کند که صراحت دارد، او هیچ طبقه‌ای را از قلم نیانداخته است و اگر بخواهیم نام افراد دیگری را در این شجره‌نامه بگنجانیم، طبقه‌بندی ۱۴ تایی متی، بی‌معنا خواهد بود. همچنین چگونه عالمان مسیحی این افراد را کم‌اهمیت می‌شمردند؟ در حالی که افراد حذف شده در نسب‌نامه متی، (أخزیا، یوآش و أمصیا) از پادشاهان مهم و به نام یهودا بودند و خدمات زیادی به خداوند انجام دادند؛ از جمله: بتکده بعل را در سراسر یهودیه نابود کردند و خانه معبد را که به دست عتلیا نابود شده بود، بازسازی نمودند. یوآش ۴۰ سال و امصیا ۲۹ سال سلطنت کرد (دوم تواریخ فصل ۲۴ و ۲۵).

1. Smith, Jay. Chowdhry, Alex. Jepsen, Toby. Schaeffer, James. "The charge of 101 contradictions".

همچنین یهویاقیم از اهمیت بالایی در تاریخ کتاب مقدس برخوردار است (دوم پادشاهان فصل ۲۴ و ۲۵).

طبق اسناد عهد عتیق متی برای رساندن به عدد ۱۴ مجبور شده، نام ۴ تن از شاهان مهم و تاثیر گذار به نامهای آخزیا، یوآش، امصیا، یهویاقیم را حذف کند. در حقیقت پادشاهان نسب‌نامه عیسی ۱۸ نفر بودند و در مجموع، نسل عیسی تا داوود طبق متی ۲۶ نسل و طبق لوقا ۴۱ نسل فاصله است و رعایت وحدت سیاق در تعداد افراد دسته‌های شجره‌نامه نمی‌تواند توجیه خوبی برای تحریف تاریخ و شجره‌نامه شخصیت مهمی مانند عیسی مسیح باشد و مشخص نیست چرا متی بر عدد چهارده نفر اصرار داشته است؟ همچنین اگر هدف متی فقط رعایت وحدت سیاق در تعداد افراد گروه‌های شجره‌نامه عیسی بوده، باید بگوییم در این هدفش ناکام مانده و وی دو دسته ۱۴ تایی و یک دسته ۱۳ تایی تحویل داده است، نه سه دسته یکسان ۱۴ تایی!

مک دو نالد در تفسیر خود بر کتاب مقدس وجود اشتباه در نسب‌نامه متی را پذیرفته است؛ ولی معتقد است نباید در مورد آن اندیشید؛ زیرا نمی‌توانیم بفهمیم. وی می‌نویسد:

متی توجه خاصی به این حقیقت مبذول نموده که در نسب‌نامه سه‌بخش هر یک دارای ۱۴ نسل (طبقه) وجود دارد. به هر حال از عهد عتیق می‌دانیم که بعضی اسامی در فهرست او یافت نمی‌شوند. به طور مثال، بین یورام و عزیا (آیه ۸) اخزیا، یوآش و امصیا به عنوان پادشاه سلطنت کردند (دوم پادشاهان ۸-۱۴؛ دوم تواریخ ۲۱-۲۵) خواننده محقق کتاب مقدس باید چه دیدگاهی درباره این مشکلات و مغایرت‌های ظاهری داشته باشد؟ اول، استدلال اساسی ما این است که کتاب مقدس کلام وحی خدا می‌باشد. بنابراین نمی‌توان به وجود اشتباه در آن اندیشید. دوم این که بی‌نهایت و نامحدود است زیرا ابدی بودن الوهیت را منعکس می‌نماید. ما می‌توانیم حقایق اساسی کلام را درک نمائیم، اما هیچگاه نمی‌توانیم تمامی مطالبی را که در کتاب مقدس است به طور کامل بفهمیم. بنابراین، رویه ما در مواجهه با این مشکلات منجر به این نتیجه گیری می‌شود که مشکل ما در فقدان دانش و آگاهی ما نهفته نه در خطاپذیری کتاب مقدس. مشکلات کتاب مقدس باید ما را وا دارد به تکاپو برای مطالعه و جستجوی پاسخ‌ها بنماید. «مخفی داشتن امر،

جلال خدا است و تفحص نمودن امر، جلال پادشاهان است» (امثال

۱(۲: ۲۵)

۳- نسب‌نامه زروبابل

یکی دیگر از ناسازگاری‌های موجود در نسب‌نامه عیسی مسیح مشکل زروبابل است. زروبابل، نوه آخرین پادشاه یهودا است. بعد از آن که یهوه یاکین، آخرین پادشاه یهودا بعد از سه ماه پادشاهی به همراه قومش به اسارت بابلی رفت، سلسله پادشاهی در یهودا به پایان رسید؛ اما بعد از یهوه یاکین، فرزندش سالتئیل هدایت قوم در تبعید را به عهده گرفت و پس از وی نیز نوبت به زروبابل رسید.^۲ کوروش در زمان زروبابل، بابل را فتح کرد و به قوم یهودا اجازه داد به فرماندهی زروبابل به سرزمین فلسطین برگردند. وی ظروف مقدسه طلائی را از کورش گرفت، به اورشلیم عودت داد و از جانب پادشاه ایران، والی اورشلیم شد. وی هیکل را دوباره بنیاد نهاد (زکریا ۴: ۶-۱۰) و این هیکل تا ۵۰۰ سال بر پا بود. زروبابل اول شخصی بود که شرایع و رسوم دینی را برای جماعت بیان کرد و ابنای وطن خود را دوست می‌داشت و در بنای هیکل، جد و جهد تمام به جای آورد و در دیانت و وطن‌خواهی معروف بود (عزرا ۳: ۲-۱۳).

در نسب‌نامه متی و لوقا و همچنین در چند جای عهد عتیق، نسب‌نامه زروبابل بیان شده است؛ اما در این نقل‌ها تفاوت‌های چشم‌گیری وجود دارد؛ از جمله:

- مطابق با انجیل متی ۱: ۱۲ و در حجتی ۱: ۱ و ۱۴ و ۱۲ و عزرا ۳: ۲ و ۸ و ۵: ۲ و نحیا ۱۲: ۱ زروبابل پسر سالتئیل است؛ اما در اول تواریخ پدر زروبابل را فدیا برادر سالتئیل می‌داند (اول تواریخ ۳: ۱۹).
- از طرفی در انجیل متی و اول تواریخ پدر بزرگ زروبابل یهوه یاکین است (متی ۱: ۱۲ و اول تواریخ ۳: ۱۹). این در حالی است که لوقا گرچه سالتئیل را پدر زروبابل می‌داند؛ اما پدر بزرگش را نیری معرفی می‌کند، نه یهوه یاکین (لوقا ۳: ۲۷).
- سومین مشکلی که در نسب‌نامه زروبابل مطرح است، فرزند وی می‌باشد. در انجیل متی و اول تواریخ، زروبابل از دودمان سلیمان معرفی می‌شود (متی ۱: ۱۲ و اول تواریخ ۳: ۱۹)؛ ولی انجیل لوقا

۱. مک دونالد، ویلیام. تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران متی ۱.

2. Geoffrey Herman (2012). A Prince Without a Kingdom: The Exilarch in the Sasanian Era. Mohr Siebeck, P 295. Retrieved 15 January 2014.

وی را از دودمان سلیمان معرفی نمی‌کند؛ بلکه نسبش را به ناتان برادر سلیمان می‌رساند (لوقا ۳: ۳۱).

○ چهارمین ناسازگاری در شجره‌نامه زروبابل، مسأله پسران وی است. در انجیل لوقا، ريسا پسر زروبابل است (لوقا ۳: ۲۷). اما در انجیل متی، ابیهود پسر زروبابل است (متی ۱: ۱۲). این در حالی است که در کتاب اول تواریخ، نام تمام فرزندان زروبابل را ذکر می‌کند:

«فرزندان زروبابل اینها بودند: مشلام، حننیا، حشوبه، اوهل، برخیا، حسدیا، یوشب حسد و دخترش لومیت. و پسران حننیا، فلطیا و اشعیا بودند. (اول تواریخ ۳: ۱۹-۲۲)»

و اصولاً زروبابل پسری به نام ريسا یا ابیهود نداشته است که نسلش از طریق آن‌ها به مسیح برسد.

جدول ذیل ناسازگاری‌های موجود در نسب‌نامه را بصورت خلاصه بیان می‌کند:

انجیل لوقا	انجیل متی	اول تواریخ
ناتان...	سلیمان...	سلیمان...
نیری	یهوه یاکین	یهوه یاکین
سالتئیل	سالتئیل	فدایا
زروبابل	زروبابل	زروبابل
ریسا	ابیهود	مشلام، حننیا، حشوبه، اوهل، برخیا، حسدیا، یوشب حسد.

دانشمندان مسیحی برای پاسخ به ناسازگاری‌های بین متی و لوقا در شجره‌نامه زروبابل، همان پاسخ قبلی را تکرار می‌کنند که در حقیقت، این دو شجره‌نامه در انجیل لوقا و متی مربوط به دو نفر (یوسف و مریم) هستند و همسانی نام زروبابل پسر سالتئیل در هر دو شجره‌نامه، صرفاً شباهت دو نام است و ایشان اشخاص متفاوتی بودند که نام‌های مشترکی داشتند. البته از آن جا که اول تواریخ و متی، نسب شاهان یهودا را ذکر می‌کند، زروبابل ذکر شده در عهد عتیق با زروبابل مذکور در انجیل متی یک نفر است.

اما پیش از این نیز توضیح داده شد که دانشمندان مسیحی برای این که نسب‌نامه لوقا برای مریم است، سند قاطعی ارائه نکردند و این نظریه، اشکالات

1. Louis Finkelstein(1970), The Jews: Their History ., p. 51.

متعددی را ایجاد می‌کرد. علاوه بر این که باز هم این نظریه نمی‌تواند مشکل تناقض زروبابل را رفع کند؛ زیرا همچنان بین انجیل متی و اول تواریخ، تناقض فاحشی وجود دارد.^۱ در انجیل متی پدر زروبابل، سالتئیل است؛ اما در اول تواریخ، پدر زروبابل برادر سالتئیل فدایا است. البته سالتئیل و فدایا هر دو پسران یهوه یاکین هستند. (اول تواریخ ۱۷:۳-۱۸) و چگونه می‌تواند یک نفر از نسل دو برادر باشد و همچنین اصولاً زروبابل فرزندی به نام ابیهود یا ریسا نداشته است؛ درحالی که انجیل متی از ابیهود، نسل مسیح را به زروبابل می‌رساند. دانشمندان مسیحی این مشکل را چنین توجیه می‌کنند که ابیهود، نام نوه یا نبیره زروبابل است و انجیل متی، آن را به دلیل کم‌اهمیتی حذف کرده است ولی پذیرش این مسأله ما را مجبور می‌کند از تعبیر انجیل متی که «پس تمام» (all = Πᾶσαι) طبقات... از تبعید بابل تا مسیح، چهارده طبقه» (متی ۱: ۱۷) است، دست بکشیم و این عبارت متی که تمامی طبقات همین ۱۴ تا است بی‌معنی خواهد بود.

گایسلر و عبدالصلیب، در کتاب پاسخ به اتهام، بحث دیگری را مطرح کرده‌اند:

«این که در این دو شجره‌نامه نامهای مشترکی نیز وجود دارند، (نظیر سالتئیل و زروبابل در متی ۱۲: ۱ و لوقا ۳: ۳) به دو دلیل نشان دهندهٔ یکی بودن این دو شجره‌نامه نیست: اول این که این نامها در میان یهودیان بسیار رایج بوده و دوم این که در شجره‌نامه لوقا نامهای یوسف و یهوذا در آیات ۲۶ و ۳۰ دو بار تکرار شده‌اند.»^۲

اگر تضاد، فقط بین متی و لوقا بود، احتمال فوق، محتمل بود؛ ولی مشکل این‌جاست که اول تواریخ مطمئناً نسب زروبابل دست‌نشانده ایرانیان را بیان می‌کند و حداقل متی طبق نظر مدافعین مسیحی نیز در حال ذکر نسب پادشاهی برای عیسی است و طبق نظر مدافعان، منظورش زروبابل دست‌نشانده ایرانیان در اورشلیم است.

پیش‌تر توضیح داده شد که بین نسب‌نامه متی و اول تواریخ، ناسازگاری وجود دارد و در انجیل متی، پدر زروبابل سالتئیل است؛ اما در اول تواریخ، پدر زروبابل، برادر سالتئیل، به نام فدایا است. (سالتئیل و فدایا هر دو پسران یهوه یاکین‌اند) (اول تواریخ ۳: ۱۷-۱۸) و چگونه می‌تواند یک نفر از نسل دو برادر باشد؟

1. James C. VanderKam (2004), From Joshua to Caiaphas: High Priests after the Exile, Minneapolis, pp. 104-106.

۲. نرمن گایسلر و عبدالصلیب، پاسخ به اتهام، ص ۱۶۴.

مک دو نالد در تفسیر خود بر کتاب مقدس وقوع اشتباه را در این مورد می‌پذیرد

و می‌نویسد:

به نظر می‌رسد که نسب‌نامه متی و لوقا، در ذکر دو نام سالتیل و زروبابل با هم تداخل دارند (متی ۱: ۱۲-۱۳؛ لوقا ۳: ۲۷). عجیب است که تبار یوسف و مریم باید در این دو مرد با هم ادغام و دوباره جدا شوند. مشکل وقتی بزرگتر می‌شود که دقت کنیم هر دو انجیل عزرا ۳: ۲ را نقل کرده‌اند که در آن نام زروبابل به عنوان پسر سالتیل ذکر شده درحالی که در اول تواریخ ۳: ۱۹ او به عنوان پسر فدایا ذکر شده است... ما می‌توانیم حقایق اساسی کلام را درک نمائیم، اما هیچگاه نمی‌توانیم تمامی مطالبی را که در کتاب مقدس است به طور کامل بفهمیم.^۱

تلاش‌های محققان برای پاسخ به ناسازگاری‌های کتاب مقدس

وجود ده‌ها مورد ناسازگاری از جمله این‌گونه تناقضات، به ارائه راه‌حل‌های زیادی از سوی مدافعان یا محققان مسیحی منجر شده است.

وجود خطا دلیل بر صداقت

یوحنا زین‌دهان، اسقف قسطنطنیه - که تعصب خاصی به کتاب مقدس دارد - نیز وجود اختلافات و تناقضات را در کتاب مقدس می‌پذیرد. او می‌گوید:

بسیار می‌شود که اختلاف انجیل نویسان را مطرح می‌کنند؛ ولی این قطعاً دلیل محکمی بر حقانیت آن‌هاست. اگر آنان در مورد همه جزئیات و زمان و مکان و واژه‌ها با یکدیگر توافق می‌کردند، دشمنان سخنان هیچ یک از آنان را باور نمی‌کردند و می‌پنداشتند که این نوشته‌ها حاصل توافق آن انسان‌هاست و آن توافق را زاییده حقیقت محض نمی‌دانستند. در واقع همین ناهماهنگی در اندکی جزئیات، بدگمانی را از آن نویسندگان دور می‌کند و اعتبار ایشان را به اثبات می‌رساند.^۲

ولی بیناک در پاسخ به این مسئله چنین بیان می‌کند:

ملاک و معیاری که دارای خطا باشد، مقیاس مطمئنی درباره حقیقت الهی و خطای انسانی نمی‌دهد. زمانی که در قابل اطمینان بودن کتاب مقدس تردید شود، آن اطمینانی که فرد مؤمن به وسیله آن از ماهیت

۱. مک دونالد، ویلیام. تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران، متی ۱.

۲. اف‌ئی. پیترز، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۳، ص ۷۴.

اغراض خدای خود آگاهی می‌یابد، تهدید می‌شود... دست کشیدن از خطاناپذیری کتاب مقدس، اشتباهی فاجعه‌آمیز خواهد بود که پی‌آمدهای مهلکی برای کلیسای خداوند و الهیات آن دارد و هم‌اکنون می‌توان پی‌آمدهای این ابهام تأس‌ف‌بار را در اندیشه مسیحی معاصر دید.^۱

نسخه اصلی

بر اساس این نظریه، کتاب مقدس، خطاناپذیر است؛ اما نه نسخه‌هایی که امروز در دسترس ماست؛ بلکه نسخه اصلی‌ای که خود نویسندگان کتاب مقدس نگاشتند، خطاناپذیر است. بنابراین هر خطایی که در کتاب مقدس مشاهده شد، ناشی از ناتوانی نسخه برداران در انتقال صحیح متن اصلی است.^۲ هرولد لینسن در کتاب نبرد برای کتاب مقدس به این نظریه اشاره می‌کند:

کتاب مقدس در تمام قسمت‌هایش کلام مکتوب خدا برای بشر را شکل می‌دهد این کتاب در نسخه اصلی‌اش عاری از تمامی خطاهاست. .. این کتاب در مسائل عقاید و تاریخ قابل اطمینان است.^۳

آگوستین در توجیه تناقضات کتاب مقدس، این راه‌حل را ترجیح می‌دهد و می‌نویسد:

من موکداً معتقدم که هیچ یک از نویسندگان این کتاب‌ها در هیچ یک از مطالبشان خطا نکردند. اگر من چیزی در یکی از این نوشته‌ها ببینم که مغایر با واقعیت به نظر برسد احتمال می‌دهم نسخه‌ای که دست من است صحیح نیست یا این که مترجم نتوانسته مطلب را بدرستی بیان کند یا این که من نتوانسته‌ام درست بفهمم.^۴

این نظریه، کتاب مقدس اصلی و خطاناپذیر را نسخه‌ای فرضی و دور از دسترس می‌داند و خطاهای موجود در نسخه‌های فعلی را به نسخه نویسان نسبت می‌دهد؛ اگر نسخه‌های در دسترس ما، اشتباه و خطایند، دیگر چه کاربری خواهند داشت؟ زیرا آن چه ملاک ایمان مسیحی است، در دسترس نیست و آن چه موجود است نیز نمی‌تواند مبنایی محکم برای الهیات و دیانت مسیحیت باشد.

1. Pinnock, Clark H. "A defense of Biblical infallibility (International library of philosophy and theology: p 32.
2. Bowden, John (ed.).. Christianity: The Complete Guide. London: Continuum p630.
3. Lindsell .Harold.The Battle for the Bible. p 31.
4. Forestell, j,t. "Biblical Inspiration" in new catholic encyclopedia.

ایمان گرایی

برخی دیگر از مدافعان مسیحی اصولاً به ایمان داران، اجازه بررسی درباره خطاپذیری یا ناپذیری کتاب مقدس را نمی دهند و از ایشان می خواهند صرفاً ایمان بیاورند؛ اگرچه این ایمان با عقل، منافات داشته باشد. طبق باور ایشان، ایمان، نقطه شروع الهیات است، نه عقل.^۱ آنسلم معتقد است ایمان مقدمه بر فهم است و جمله معروف وی چنین است:

«ایمان می آورم تا بفهمم» (fides quaerens intellectum).^۲

دین شناسی به نام جان بارتون^۳ نیز در این باره چنین توضیح می دهد:

برخی از مسیحیان، کتاب مقدس را با این فرض می خوانند که «متنی سازگار و عاری از هر تناقضی است» و اگر با نوعی از تضاد و تناقض رو به رو شوند «معتقدند که باید خوانشی عمیق تر از آن قسمت انجام شود تا سازگاری آن ها را نشان داد».^۴

یاسپرس معتقد است کتاب مقدس از طریق رمزها از تعالی سخن گفته است و هر چیزی در کتاب مقدس می تواند یک رمز باشد و این نظریه می تواند «وجود ناسازگاری های و تناقضات کتاب مقدس» را توجیه کند؛ زیرا این تناقضات ابهام وجودی می آفرینند که تنها از طریق ارتباط وجودی افراد در تعامل شان با تعالی قابل حل است.^۵ آن چه مهم است، درستی مطالب نیست؛ بلکه دنبال کردن فلسفی است که متن به سوی تعالی، نشان می دهد.^۶

البته باید توجه کرد که این امور که توسط مدافعان رازآلود معرفی می کنند، در حقیقت رازآلود نیستند؛ زیرا ما سه دسته گزاره عقلی داریم: ۱ - گزاره های سازگار با عقل؛ ۲ - گزاره عقل گریز؛ ۳ - گزاره عقل ستیز. به گزاره های دسته یک و سه می توان ایمان آورد و گزاره های دسته دوم را نیز می توان رازآلود نامید؛ ولی چگونه می توان به گزاره ای غیر منطقی و عقل ستیز، ایمان آورد؟ همان گونه که نمی توان به

1. Law, David R. Inspiration (New Century Theology), Bloomsbury Academic; New edition edition (2001) p 94.

۲. الستر مک گراث، درآمدی بر الاهیات مسیحی، انتشارات کتاب روشن ص ۴۷.

3. John Barton.

4. Barton, J., The Bible: The Basics, Routledge, 2010. p. 1-15.

5. Bowden, John (ed.) (2005), Christianity: the Complete Guide, London: Continuum. P631.

6. Law, David R. (2001), Inspiration, 1st edition, London: Continuum p 197.

گزاره ۲+۲=۵ ایمان آورد، همچنین نمی‌توان به خدایی که به همه چیز، علم مطلق دارد و فراموش کار نیست؛ اما در کلامش دچار تناقض‌گویی می‌شود، ایمان آورد.

خطاناپذیری کتاب مقدس، تنها در حوزه رستگاری

برخی از مدافعان کتاب مقدس برای یافتن راه‌حلی برای توجیه تناقضات بر این باورند که کتاب مقدس، تنها در حوزه رستگاری، حقیقت دارد، نه در سایر حوزه‌ها.

اگوستین معتقد بود:

«روح القدس که از طریق نویسندگان کتاب مقدس سخن می‌گوید: نمی‌خواهد به انسان‌ها چیزی بیاموزد که نفعی برای رستگاری آنان ندارد... ما در انجیل نمی‌خواهیم که خداوند گفته باشد من فارقلیط را می‌فرستم تا به شما حرکت ماه و خورشید را بیاموزد؛ او می‌خواهد مسیحی بسازد نه ریاضی‌دان»^۱

کلیساهای کاتولیک و انجیلی و برخی از شعبه‌های اصلی پروتستان به این مسأله معتقدند که کتاب مقدس، تنها باید در مورد مسائل مرتبط با رستگاری، کاملاً عاری از اشتباه باشد.^۲ لوتر پذیرفته بود که ناسازگاری‌ها و اشتباهاتی در کتاب مقدس وجود دارد؛ اما نتیجه گرفت که این موارد، الزاماً حقیقت انجیل را زیر سوال نمی‌برد.^۳

در قرن بیستم گروهی از الهی‌دان‌های انجیلی بین آن‌چه کتاب مقدس «تعلیم می‌دهد» و آن‌چه «به آن می‌پردازد»، تمایز قائل شدند. از نظر ایشان، کتاب مقدس، تنها در زمینه ایمان و اخلاق، مضمون از خطا است؛ اما آن‌چه درباره علوم، تاریخ و جغرافیا است، لزوماً صحیح نیستند.^۴

چالز گور اسقف کلیسای انگلیکن، معتقد است:

1. focant Camille(2004) " holy scripture" in encyclopedia of christian theology jane-yves Lacoste (ed) New York Routledge p 721-2.
2. Raymond F Collins (1989). "Inspiration", 65:29-50, pp. 1029f. In Raymond Brown, Joseph Fitzmyer, Roland Murphy (Eds.). The New Jerome Biblical Commentary(1st ed.). Pearson. pp. 1023-1033.
3. Graham Stanton. Gospel Truth? New Light on Jesus and the Gospels (HarperCollins, 1995) page 8.

۴. لین، تونی. (۱۳۸۰) تاریخ تفکر مسیحی ترجمه روبرت آسریان تهران نشر و پژوهش سرخدار ص ۴۰۸.

گرچه الهام باعث روشن شدن ذهن و اندیشه نویسندگان کتاب مقدس می‌شود اما این بدین معنا نیست که آنان نسبت به خطاهای موجود در بافت تاریخی و فرهنگی خود ایمن گشتند.^۱

این نظریه در حقیقت، وقوع خطا در کتاب مقدس را می‌پذیرد؛ ولی به این مدافعان باید سخن جان وسلی را یاد آور شد که:

آیا اگر بپذیریم که یک خطا در کتاب مقدس وجود دارد، حجیت تمام کتاب مقدس را به لرزه در نیاورده‌ایم؟^۲

خطاهای کتاب مقدس، کمتر از یک درصد

آ. رابرتسون، محقق بزرگ در اثر خود به نام «مقدمه‌ای بر نقادی عهد جدید» می‌گوید که تنها «یک هزارم از کل متن» هنوز زیر سؤال است. با این تحقیق به روشنی معلوم می‌شود که ۹۹/۹ درصد عهد جدید، فاقد هرگونه مغایرت یا تفاوت قابل ذکر است. فیلیپ شاف، مورخ برجسته قرن نوزدهم در کتابی به نام «همراه با عهد جدید یونانی و نسخه انگلیسی» محاسبه نموده که از بین ۱۵۰۰۰۰ تفاوت شناخته شده در زمان او، ۴۰۰ مورد به نوعی بر مفهوم متن تأثیر می‌گذارند و از بین آن‌ها ۵۰ مورد واقعاً اهمیت دارند. با وجود این، حتی یک مورد وجود ندارد که یک اصل ایمانی یا قاعده رفتاری را مخدوش سازد که در متون مسلم و تردید ناپذیر دیگر به فراوانی نیامده باشد یا از لحن کلی تعالیم کتاب مقدس، استخراج نگردد.^۳

از نظر این الهی‌دان‌ها هدف خداوند تنها نجات انسان‌ها از طریق عیسای مسیح است و این هدف به وسیله معنای نوشته‌هایی که کاملاً خطا پذیرند، بدون اشتباه و لغزش، انتقال یافته است.^۴

اما مشکل این‌جاست که معیاری الهی وجود ندارد، برای تعیین این‌که کدام مطالب کتاب مقدس، الهامی و کدام یک ناشی از خطاهای فرهنگ زمانه، به درون کتاب مقدس، راه یافته است؛ حتی نمی‌توان مشخص نمود آیا آموزه‌هایی مانند تثلیث یا گناه نخستین، واقعا الهامی هستند و یا ناشی از خطاهای نویسندگان کتاب مقدس.

1. Gore, Charles (1890), "The Holy Spirit and Inspiration", in: Charles Gore (ed.), Lux Mundi: A Series of Studies in the Religion of the Incarnation, London: John Murray, p 341-94.

2. Foos and L. Paige Patterson, The Fundamentals for the Twenty First Century: "p 98.

۳. نرمن گایسلر و. عبدالصلیب، پاسخ به اتهام، ص ۱۸۲-۱۸۱.

4. Foos and L. Paige Patterson, The Fundamentals for the Twenty First Century: "p. 98.

فرانسیس واتسون می‌نویسد:

این مسئله را نمی‌توان با مشاهده‌ی این که این تناقضات جزئی هستند، مرتفع نمود... [آن‌ها] چیزی بیشتر از تناقضات جزئی هستند و تعداد زیادی از این تناقضات در کتاب مقدس وجود دارد و اغلب مرتبط با مسائلی در قلب ایمان و زندگی مسیحی هستند.^۱

نتیجه

طبق آنچه بیان شد، مدافعان مسیحی، تلاش وافر برای آشتی دادن این دو شجره‌نامه با یکدیگر داشتند و راه‌حل‌های متعددی را ارائه کردند؛ اما این راه‌حل‌ها، نه با سنت و تاریخ مسیحیت، سازگاری دارد و نه حتی با خود عهدین، قابل آشتی دادن است.

از این رو مدافعان مسیحی، ترجیح دادند، راه‌حل دومی را انتخاب کنند یا مانند یوحنا زربین دهان، وجود این ناسازگاری‌ها را دلیلی بر حجیت کتاب مقدس بگیرند. برخی نیز تنها نسخه اصلی کتاب مقدس را که دیگر در دسترس نیست، خطاناپذیر می‌دانند و نسخه‌های موجود را دارای خطا می‌شمارند. برخی نیز مانند آنسلم ایمان‌گرایی را بر عقل‌گرایی ترجیح دهند و یا حوزه حجیتی کتاب مقدس را محدود می‌کند و می‌گویند:

کتاب مقدس تنها در حوزه رستگاری خطاناپذیر است و در سایر حوزه‌ها امکان خطا وجود دارد.

برخی از مدافعین مسیحی نیز به نظریه خطاپذیری حداقلی کتاب مقدس روی آوردند و معتقد شدند: ناسازگاری‌هایی در کتاب مقدس وجود دارد؛ ولی این ناسازگاری‌ها بسیار ناچیز و کمتر از یک درصد این کتاب است؛ اما دکتر بارت ارمن، استاد دانشگاه آمریکایی در تارنمای رسمی خود می‌نویسد:

برای کسانی که باور دارند کتاب مقدس عین کلام خدا و وحی منزل است، اهمیت دارد که چنین باوری زیر سؤال برده شود، زیرا حقیقت این است که در برخی موارد ما اصل این سخنان (کلام خدا) را نداریم و در بسیاری موارد خود سخنان مشکوک

1. Watson, F., Gospel Writing: A Canonical Perspective, Wm. B. Eerdmans Publishing, 2013, P14.

هستند. (باید متذکر بشوم که وضعیت شناخت ما از آن چه باید شبیه کتاب مقدس عبری اصلی می‌بود - هر چه که احتمالاً بوده است - خیلی خراب‌تر هم می‌باشد. وضعیت لفظی متن کتاب مقدس عبری واقعاً نابسمان است.¹)



1. Ehrman, Bart D , Why Textual Variants Matter for the Rest of Us.

منابع

۱. پیترز، اف. ئی.، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴
۲. الخضری، الدكتور القس حنا جرجس؛ تاریخ الفكر المسيحي؛ دارالثقافه، ۱۳۰۴ه.ق،
۳. مک گراث، الستر (۱۳۸۵) درآمدی بر الاهیات مسیحی، ترجمه عیسی دیباج تهران، انتشارات کتاب روشن
۴. القیصری، یوسایبوس؛ تاریخ الكنيسة؛ ترجمه القمص مرقس داود، مکتبه المحبه،
۵. کانون یوحناى رسول (۲۰۱۵)، کتاب مقدس ترسیان، مقدمه و توضیحات طبق ترجمه بین الکیسایى کتاب مقدس، سایت ایران کاتولیک
۶. لین، تونی. (۱۳۸۰) تاریخ تفکر مسیحی ترجمه روبرت آسریان تهران نشر و پژوهش سرخدار
۷. مک دونالد، ویلیام. تفسیر کتاب مقدس برای ایمان داران باز نشانی: <https://www.razgah.com/bbc-farsi.engil>
۸. گایسلر، نورمن، پاسخ به اتهام، بی جا، بی نا، بی تا،
۹. هندی، ملا رحمه الله؛ (۱۴۰۸) اظهار الحق؛ بیروت: دار الجیل.

10. Andrew Gabriel Roth (2003), Proofs of Peshitta Originality in the Gospel According to Matthew & the Gowra Scenario: Exploding the Myth of a Flawed Genealogy. retrieved 2009-04-25.
11. Anthony Maas (1913), "Genealogy of Christ", Catholic Encyclopedia, New York: Robert Appleton Company.
12. The Babylonian Talmud,. Hendrickson Publishers, Inc. ; Cdr edition (2007)
- 13.
14. Barton, J. , The Bible: The Basics, Routledge, 2010..
15. Bea, Augustin Cardinal. "Vatican II and the Truth of Sacred Scripture" Retrieved <https://static1.squarespace.com/static/569543b4bfe87360795306d6/t/599228b4cf81e0dea8fc4e49/1502750901978/VaticanII%26TruthofScripture.pdf>.
16. Bowden, John (2005).. Christianity: The Complete Guide. London: Continuum
17. Clement of Alexandria, (2014) Miscellanies (Stromata), Beloved Publishing LLC
18. Dei Verbum, Chapter III, from the Catechism of the Catholic Church. retrived: <http://www.vatican>.

va/archive/hist_councils/ii_vatican_council/documents/vat-ii_const_19651118_dei-verbum_en.html

19. focant Camille(2004) " holy scripture" in encyclopedia of christian theology jane-yves Lacoste (ed) New York Routledge
20. Harold D. Foss and L. Paige Patterson, (2000)The Fundamentals for the Twenty First Century: "The Revelation, Inspiration, and Inerrancy of the Bible," ed. Mal Couch (Grand Rapids: Kregel,),
21. Harold D. Foss and L. Paige Patterson, (2000)The Fundamentals for the Twenty First Century: "The Revelation, Inspiration, and Inerrancy of the Bible," ed. Mal Couch (Grand Rapids: Kregel,),
22. Forestell, j,t "Biblical Inspiration" in new catholic encyclopedia
23. Geoffrey Herman (2012). A Prince Without a Kingdom: The Exilarch in the Sasanian Era. Mohr Siebeck, Tübingen, German..
24. Geza Vermes, (2006) The Nativity: History and Legend, Penguin.
25. Gill,John. John Gill's Exposition of the Bible , retrived: <https://www.biblestudytools.com/commentaries/gills-exposition-of-the-bible/>
26. Gore, Charles (1890), "The Holy Spirit and Inspiration", in: Charles Gore (ed.), Lux Mundi: A Series of Studies in the Religion of the Incarnation, London: John Murray. –
27. Graham Stanton. (1995)Gospel Truth? New Light on Jesus and the Gospels ,HarperCollins,;
28. Howard W. Clarke,(2003) The Gospel of Matthew and Its Readers, Indiana University Press, ,
29. Ehrman, Bart D , Why Textual Variants Matter for the Rest of Us. Retrived: <https://ehrmanblog.org/why-textual-variants-matter-for-the-rest-of-us/> (accessed 2017 March 26)
30. James C. VanderKam (2004), From Joshua to Caiaphas: High Priests after the Exile, Minneapolis: Fortress Press,
31. Jestice, Phyllis G. (2004) Holy people of the world: a cross-cultural encyclopedia, ABC-CLIO.
32. Gresham Machen, John (2011) The Virgin Birth of Christ , Solid Ground Christian Books.
33. John Nolland (2005), The Gospel of Matthew: a commentary on the Greek text, Grand Rapids: W. B. Eerdmans,
34. Law. David R. (2001)Inspiration ,New Century Theology ,Bloomsbury Academic; New edition edition
35. Lindsell. Harold. (1977) The Battle for the Bible. Zondervan.
36. Louis Finkelstein(1970), The Jews: Their History (4th ed.), Schocken Books,
37. Marshall D. Johnson (1988), The purpose of the Biblical genealogies(2nd ed.), Cambridge: Cambridge University Press,
38. Henry. Matthew, (2009) Matthew Henry's Commentary on the Whole Bible. Hendrickson Publishers.
39. Pinnock, Clark H. "A defense of Biblical infallibility (International library of philosophy and theology: Biblical and theological studies) Presbyterian and Reformed Pub. Co (1967)
40. Raymond Brown, The Critical Meaning of the Bible, Paulist Press (1981),.

41. Raymond F Collins (1989). "Essay 65: "Inspiration"". In Raymond Brown, Joseph Fitzmyer, Roland Murphy (Eds.). The New Jerome Biblical Commentary ,Pearson. \
42. September 9 in: _ <http://en.wikipedia.org/>
43. Sextus Julius Africanus, Epistula ad Aristidem (Epistle to Aristides) <https://books.google.com>
44. Smith,Jay. Chowdhry,Alex. Jepson,Toby. Schaeffer,James. " The charge of 101 contradictions" retrived in <http://www.bible.ca/islam/islam-bible-contradictions-refuted.htm>
45. St. Aquinas, Thomas, (1842) Catena Aurea (Golden Chain), Gospel of Matthew, , (trans. John Henry Parker, v. I, J. G. F. and J. Rivington: London,
46. Vincent P. Branick, Understanding the New Testament and Its Message: An Introduction, (Paulist Press, 1998),. ,
47. Watson, F. , Gospel Writing: A Canonical Perspective, Wm. B. Eerdmans Publishing, 2013,.
48. Williams ,Frank, (2008) Panarion of Epiphanius of Salamis , Brill Academic Pub; Revised, Expanded edition
49. συγγειç in _ <http://www.biblewebapp.com>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی